جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۹۵ـ۱۱۸
Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer 2022, 16(30), P:95-118

The Psychological Investigation of Artistic Depictions in Surah Ale-Imran*

Ashor Qilich Paseh [1]
Abdolahad Ghaibi [2]
Masoud Bavan Pouri [3]

Abstract

Since the Holy Quran was revealed in the Arabic language and the Arabic language itself is figurative. Therefore, one of the aspects of the simplicity and comprehensibility of the statement of the Holy Quran is the imagery and concreteness of its mental concepts. As a literary text, the Holy Quran has used all the styles of the literary language in the way of expression, and one of these expressive tools is artistic depiction using simile, metaphor, and metaphor. In addition, each word and each sentence, along with its literal meaning, has a special emotional and emotional capacity affected by feedback and attitudes. In the current Research, it is attempted to psychologically examine artistic depictions in Surah Al-Imran by using a descriptive-analytical method. The preliminary results indicate that the artistic images of this surah are different according to the type of audience and that each of them has high emotional and emotional capacities. One of the important goals of each of the artistic images in this surah is to influence the audience and prepare them mentally to accept the truth and deny falsehood. Each of these pictures can be effective as a tool for mental health and promoting education and morals.

Keywords: Holy Quran, psychological, artistic depiction, Al-Imran.

*. **Date of receiving:** 28 March 2022, **Date of approval:** 25 June 2022.

1. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Zabul University; (ashor_paseh@uoz.ac.ir).

2. Professor and Faculty Member of the Shahid Madani University of Azerbaijan; (abdolahad@azaruniv.ac.ir).

3.Ph.D., Department of Arabic Language and Literature, Shahid Madani University of Azerbaijan, [Corresponding Author]; (masoudbavanpouri@yahoo.com).

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

دو فصلنامه علمی قرآن و علم، سال شانزدهم، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص: ۹۵ـ۱۱۸
Academic Journal of the Qur'an and Science, Spring and summer 2022, 16(30), P:95-118

مقاله علمی ـ پژوهشی

بررسی روان‌شناختی تصویرپردازی‌های هنری در سوره آل‌عمران*

آشور قلیچ پاسه[۱] و عبدالاحد غیبی[۲] و مسعود باوان‌پوری[۳]

چکیده

از آنجا که قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است و زبان عربی نیز به‌خودی‌خود زبانی تصویری است. ازاین‌رو یکی از وجوه سادگی و قابل‌فهم بودن بیان قرآن کریم، تصویری و ملموس بودن مفاهیم ذهنی آن است. قرآن کریم به‌عنوان یک متن ادبی، در شیوه بیان، تمام اسلوب‌های زبان ادبی را به‌کار گرفته است که یکی از این ابزارهای بیانی، تصویرسازی هنری با استفاده از تشبیه، مجاز و استعاره است. افزون بر این، هر واژه و هر جمله در کنار معنای لغوی خود، دارای ظرفیت عاطفی و هیجانی ویژه‌ای متأثر از بازخوردها و نگرش‌ها است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تا با استفاده روشی توصیفی ـ تحلیلی، تصویرپردازی‌های هنری در سوره آل‌عمران مورد بررسی روان‌شناختی قرار گیرد. نتایج اولیه حاکی از آن است که تصاویر هنری این سوره با توجه به نوع مخاطب متفاوت است که هریک ظرفیت‌های عاطفی و هیجانی بالایی دارند. از اهداف مهم هر یک از تصاویر هنری در این سوره، تأثیرگذاری بر مخاطب و زمینه‌سازی روحی او برای پذیرش حق و انکار باطل است. هریک از این تصاویر می‌توانند به‌عنوان ابزاری در جهت سلامت روحی و ارتقای تربیت و اخلاق مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، روان‌شناختی، تصویرپردازی هنری، آل‌عمران.

---

*. **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۱/۰۱/۰۸ و **تاریخ تأیید:** ۱۴۰۱/۰۴/۰۴.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل؛ (ashor_paseh@uoz.ac.ir).

۲. استاد و عضو هیات علمی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان؛ (abdolahad@azaruniv.ac.ir).

۳. دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان [نویسنده مسئول]؛ (masoudbavanpouri@yahoo.com).

۱. مقدمه

تصویرپردازی از جمله پربسامدترین اصطلاحات نقد ادبی می‌باشد که از دیرباز در نقد ادبی غرب مورد توجه بوده و به آن پرداخته شده و از دیدگاه‌های گوناگون تعریف گردیده است. جاحظ اولین کسی بود که به عنصر تصویر در شعر توجّه کرده است. وی می‌گوید: «شعر، صناعت و گونه‌ای از بافت و نوعی تصویر است» (الجاحظ، الحیوان، ۱۹٦٥: ۱۳۲-۱۳۱). به نظر عبدالقاهر جرجانی تصویر «تمثیل و قیاسی است بر آنچه که عقل آنها را می‌فهمد و چشم آنها را می‌بیند» (الجرجانی، دلائل الاعجاز، ۱۹۸۹: ۳۲۰). ژان پل سارتر «تصویر را نحوه خاص ظهور اشیاء به خود می‌داند» (انوشه، فرهنگ نامه ادب فارسی، ۱۳۷٦: ١٤). در جایی دیگر نیز در تعریف تصویر آمده است که تصویر «گره‌خوردن دو چیز از دو دنیای متفاوت است» (براهنی، طلا در مس، ۱۳۸۰: ۱۱)؛ لذا در یک برداشت کلّی می‌توان چنین گفت که تصویر به کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی «هرگاه شاعر از زبان عادی و بیان منطقی عدول کند و دریافت‌ها و ادراکات درونی و حسی خود را به صورت شاعرانه ارائه دهد، تصویر بوجود آورده است» (فتوحی، بلاغت تصویر، ۱۳۸٦: ۳).

قرآن کریم کتابی آسمانی است که از هر سو بدان نگریسته شود، بخشی از زیبایی‌ها و جلوه‌های بدیعش آشکار می‌گردد. یکی از این جلوه‌های شگفت قرآن که به معانی آن حیات و عمق می‌بخشد و آن‌ها را برای انسان شیرین‌تر و جذاب‌تر می‌نماید، تصویرگری و مجسم نمودن آن‌ها به شیوه‌های گوناگون است. تصویر، بهره‌گیری از کلمات و جملات با نظمی دقیق به شیوه‌ای لطیف و هنری است به گونه‌ای که یک معنا و مفهوم را در قالب حقیقتی زنده و مجسم ارائه دهد و ضمن برانگیختن خیال و احساسات مخاطب، اندیشه و پیام خاصی را نیز به وی منتقل نماید. به تعبیر ساده و موجز تصویر یعنی پرده‌برداری از معانی و به کارگیری تعابیری زنده و احساس برانگیز (محمدقاسمی، جلوه‌هایی از هنر آفرینی در قران، ۱۳۸۷: ٤).

بی‌تردید، بیان اهداف و مقاصد قرآن از طریق تصویرهای بیانی و هنری، یکی از جلوه‌های اعجاز آن و نمونه‌ای از تحدّی ای است که خداوند به واسطه آن، اعراب را به مبارزه طلبید و آنان را ناتوان ساخت؛ چراکه «تصویرسازی، ابزار اصلی اسلوب قرآن کریم است. قرآن با تصاویر حسّی و تخیلی، معانی ذهنی و حالات درونی و اتّفاقات محسوس و مناظر قابل رؤیت و نمونه‌های انسانی و سرشت آدمی را بیان می‌کند، سپس تصاویر را به درجه بالاتر می‌رساند و بدان حیات و حرکت می‌بخشد؛ در نتیجه، معانی ذهنی به هیأت و حرکت مبدّل می‌گردند. حالات درونی به شکل تابلو و مناظر در می‌آیند. نمونه‌های انسانی، شاخصی پویا و زنده می‌شوند و سرشت آدمی، هم چون مجسمه‌ای قابل رؤیت می‌گردد و در اتّفاقات و داستان‌ها و منظره‌ها، روح حیات و حرکت دمیده می‌شود و آن گاه که گفتگو و کلام بدان‌ها اضافه شود، تمام عناصر خیال در آن گرد هم می‌آید» (قطب، التصویر الفنی فی القرآن، ۱٤۰۸: ۳٦).

شایان ذکر است تشبیه، استعاره و مجاز از پربسامدترین اسلوب‌های ادبی قرآن به‌شمار می‌روند که عمدتاً برای بیان مفاهیم انتزاعی بکار گرفته شده‌اند؛ بهره‌برداری قرآن از این رویکرد به منظور تبیین مفاهیم و مسائل مورد نظر خود برای مخاطب است؛ چرا که تصویرپردازی، از بهترین مولفه‌های تأثیرگذاری بر مخاطبان بوده؛ چنان که «روانشناسانی چون پی‌ویو (paivio)، کاسلین (kosslyn) و شپارد (shepard)معتقدند که فرآیندهای ذهنی فعال در تجربه یک تصویر ذهنی، همان فرآیندهای ذهنی فعال در ادراک یک شیء یا تصویراند» (Johnson- laird, Mental models, 1985:85). لذا هر یک از اسلوب-های تشبیه، استعاره و مجاز ماهیتی جمعی دارد و به دنبال یک ضرورت اجتماعی شکل گرفته و غالباً بر حسب نیاز متکلم به این نوع قالب زبانی، بر زبان جاری می‌شود تا فضائی خاص در ذهن شنونده بیافریند؛ فضایی که از جنبه‌های شناختی و هیجانی خاصی برخوردار است که از این رهگذر ذهن مخاطب به ذهن متکلم نزدیک شده و اهداف مد نظر گوینده از بکارگیری این اسالیب محقق می‌گردد.

از این‌رو پژوهش حاضر برآن است تا اسلوب‌های تصویرپردازی تشبیه، استعاره و مجاز را در سوره آل عمران مورد تحلیل و بررسی روان‌شناختانه قرار دهد. درباره سوره آل‌عِمران باید گفت این سوره، سوره‌ای مدنی است و به ترتیب جمع‌آوری در قرآن، سومین سوره و به ترتیب نزول، هشتاد و نُهمین سوره قرآن می‌باشد. آل عمران، دومین سوره‌ای است که با حروف مقطعه «الم= الف. لام. میم» آغاز می‌شود. این سوره پس از سوره‌های بقره و نساء سومین سوره بزرگ قرآن برشمرده می‌شود که با داشتن دویست آیه، در حدود ۱/۵ جزء از قرآن مجید را دربردارد (خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱۳۷۷: ۲۳٦/۲). هم چنین علامه طباطبایی هدف اصلی سوره آل‌عمران را دعوت مؤمنان به اتحاد و صبر و استقامت در برابر دشمنان اسلام دانسته است؛ چراکه این سوره مسلمانان را به صبر فرامی‌خواند و از آنها می‌خواهد تا یکدیگر را به صبر سفارش کنند. سپس برای رهایی مسلمانان از شبهات دینی و وسوسه‌های شیطانی، حقایق دین را به آنان یادآوری می‌کند (طباطبایی، المیزان، ۱٤۱۷: ٦/۵).

شایان ذکر است همه انواع هر یک از اسالیب تشبیه، استعاره و مجاز در این سوره وجود ندارد؛ لذا سعی بر آن است تا به روانشناختی آیاتی پرداخته شود که دارای جنبه زیباشناسی و بلاغی باشند و نیز به نکات زبانی آنها نیز اشاره گردد. با تأمل در این سوره، نکات ظریف بلاغی، زیبایی این آیات را آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که بسیاری از نکات آموزنده و حقایق این سوره در قالبی بدیع و زیبا بر میزان تأثیرگذاری مفاهیم آن افزوده است. از این‌رو در این پژوهش سعی بر آن است تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

۱ـ مهم‌ترین کارکرد تصویرپردازی‌ها در سوره آل‌عمران کدامند؟

۲ـ چه رابطه بین تصاویر هنری قرآن در سوره آل‌عمران و تأثیرگذاری روحی و معنوی بر مخاطب وجود دارد؟

۳ـ رویکردهای روانشناسانه در جهت‌گیری‌های تصاویر قرآن چه جایگاهی دارد؟.

پیشینه پژوهش

قرآن کریم نمونه والای سخن فصیح و بلیغ می‌باشد که از دیرباز کانون توجه ادیبان، پژوهش‌گران و زبان‌شناسان قرار گرفته و پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است؛ لذا به چند پژوهش مرتبط با عنوان تحقیق در ادامه اشاره می‌شود:

ـ سیدی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن کریم» به تبیین مؤلفه‌های تصاویر موجود در قرآن کریم پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم به مثابه یک متن فاخر از ساز وکارهای یک متن، بهره فراوان جسته است. یکی از این ساز وکارها، تصویرپردازی است که این شیوه بیشتر برای عینی نمودن و ملموس کردن مفاهیم ذهنی و انتزاعی به کار می‌آید.

ـ رضایی و حسینی (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان «تصویرپردازی هنری در قرآن کریم با تکیه بر تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز» به بررسی مشخصه‌های تصویرگری قرآنی پرداخته و وجه تمایز رویکرد تصویری این کتاب الهی را با سایر متون ادبی را مشخص کرده‌اند.

ـ حیدریان‌شهری و صباحی گراغانی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «بررسی روانشناختی تشبیه در سوره بقره» به بررسی عنصر تشبیه در سوره بقره پرداخته و به لحاظ روانشناسی آن را بررسی کرده و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که در تبیین تشبیهات قرآنی نباید نگاه جزئی و بریده از متن به آنها داشت؛ بلکه باید آنها را به بافت متن ارتباط داد و به ایفای نقش و کارکردشان در ضمن ساختار عام یا تصویر کلی پرداخت.

ـ پیرزادنیا، عبدی و چراغی (۱۳۹٤) در مقاله خود تحت عنوان «تصویرپردازی هنری در سوره اعراف با تکیه بر تشبیه، استعاره و مجاز» به بررسی جلوه‌های تصویرگری هنری در سوره پرداخته و در پایان چنین نتیجه گرفته‌اند که در این سوره از تصویرپردازی به عنوان ابزاری قدرتمند برای تثبیت معانی و ملموس نمودن آن‌ها در پیش چشمان مخاطب استفاده شده است.

ـ موسوی‌لر و یاقوتی (۱۳۹٤) در مقاله خود با عنوان «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه هنری سید قطب» به بررسی مؤلفه‌های این نظریه و نمود آن در تصویرپردازی هنری آیات قرآن پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که تصویر هنری عنصری اساسی از عناصر بیان است. توجه به مثال‌های سید قطب نشان می‌دهد که دلیل این مسئله به روحیه ادبی و ذوقی ایشان باز می‌گردد که همه چیز از جمله آیات قرآن را با نگاه زیباشناسانه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

۲. روان‌شناختی تصویرپردازی در سوره آل عمران

یک. تشبیه

تشبیه ابتدایی‌ترین شکلی است که تخیل در آن به دنبال وحدت بخشیدن به صور خیال است (مظفری ، خیل خیال، ۱۳۸۱: ۳۳)؛ چراکه به وسیله آن همانندی و شباهتی که از جهتی یا جهاتی میان دو چیز مختلف وجود دارد را یادآور می‌شود؛ بدین شکل که باید میان دو طرف تشبیه، هماهنگی و تشابهی نیز باشد و این شباهت می‌تواند در یک یا چند صفت باشد؛ امّا نمی‌تواند تمامی صفات را در بر بگیرد (طبانه، علم البیان، ۱۹۶۲: ۳۳).

لذا برای اینکه میان دو چیز رابطه شباهت برقرار شود باید بین دو طرف تناسب و هماهنگی نیز باشد. در تقسیم‌بندی تشبیه، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد یکی از این تقسیم‌بندی‌ها براساس حسی و یا عقلی بودن مشبه و مشبه‌به به عنوان دو طرف تشبیه است. حسی یعنی هر آنچه که با حواس پنچگانه قابل درک باشد و عقلی یعنی آن چیزی که با عقل و قلب درک شود (شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر، ۱۳۷۸ : ۵۸-۵۹)؛ خداوند نیز در قرآن کریم برای بیان مفاهیم گوناگون از تشبیه استفاده کرده است. نمونه تشبیه در سوره آل عمران آنجایی است که خداوند با وصف بهشت، مومنان را به سوی خویش ترغیب می‌کند: ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (آل‌عمران/۱۳۳)؛ «و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمان‌ها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید».

خداوند در این آیه پهنای بهشت (مشبه) را به آسمان‌ها (مشبه‌به) در گستردگی و وسعت تشبیه کرده که در بلاغت سنتی از این دو طرف تشبیه به عنوان دو رکن اصلی تشبیه یاد شده است که بدون آن‌ها تشبیه امکان‌پذیر نیست (ابن‌رشیق، العمده فی محاسن الشعر و آدابه و نقده، ۱۹۶۳: ۲۸۶/۱)؛ امّا از آنجایی که در آیه مذکور هر دو طرف تشبیه در حوزه ادراک قوه بینایی قرار می‌گیرد، تشبیه از نوع حسی به حسی است.

خداوند در این آیه مردمان را به سوی خویش فرا می‌خواند؛ چراکه «فقدان ایمان به خدا، زندگی را از مفاهیم عالی و ارزش‌های شریف انسانی تهی می‌کند و باعث می‌شود که انسان احساس رسالت بزرگ خود را در زندگی به عنوان جانشین خدا از دست بدهد و بینش روشنی درباره اهداف بزرگ زندگی خود ـ یعنی عبادت خدا و قرب به او و جهاد با نفس برای رسیدن به تکامل انسانی که موجب سعادت دنیا و آخرت است ـ نداشته باشد» (نجاتی، قرآن و روانشناسی، ۱۳۸۸: ۳۸۷).

خداوند در آیه ٤٩ سوره آل‌عمران، وقتی می‌خواهد حقانیت پیغمبری حضرت عیسی﵇ را بیان کند معجزات ایشان را به تصویر می‌کشد. در این میان تصویر شگفتی به چشم می‌خورد که از گِل، چیزی شبیه پرنده خلق می‌کند: ﴿وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل‌عمران/۴۹)؛ «و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی‌اسرائیل [می‌فرستد که او به آنان می‌گوید] در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود و به اذن خدا، نابینای مادرزاد و مبتلای به پیسی را بهبود می‌بخشم و مردگان را زنده می‌گردانم و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم مسلماً در این [معجزات] برای شما اگر مؤمن باشید عبرت است».

خداوند در این آیه، گِل (مشبه) را به پرنده (مشبه‌به) تشبیه کرده تا بر بنده‌اش ثابت کند که قدرت خلق و ابداع به معنای پیدایش را ندارد که وجه‌شبه آن دو، هیئت و شکل است و هر دو قابل حس هستند. این تشبیه نشانگر قدرت خداوند در زنده کردن مردگان می‌باشد که خداوند با چنین تشبیهی سعی بر آن داشته به مردم بفهماند که چنین کاری برای خدا ممکن است.

در بلاغت سنتی نوعی دیگر از تشبیه وجود دارد و آن تشبیهی است که هر دو طرف آن عقلی باشد. برای مثال در آیه ٥٩ سوره آل‌عمران این نوع تشبیه به کارگرفته شده است، خداوند متعال در این آیه برای این که به مردم ثابت کند که حضرت عیسی﵇ مانند دیگر پیامبران است می‌فرمایند: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِندَاللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ (آل‌عمران/٥٩)؛ «مثل عیسی در نزد خدا چون مثل آدم است که او را از خاک بیافرید و به او گفت: موجود شو پس موجود شد».

خداوند در این آیه جایگاه حضرت عیسی﵇ را به جایگاه حضرت آدم﵇ تشبیه کرده است که ایشان را از خاک آفرید؛ لذا تشبیهی از نوع عقلی به عقلی می‌باشد که شاعر از حرف «ک» برای بیان شباهت بین مشبه و مشبه‌به استفاده کرده و آن را در کلام آورده است؛ بنابراین از نوع تشبیه مرسل است (طبانه، علم البیان، ١٩٦٢: ٤٨). در این نوع تشبیه «نقش ادات تشبیه، نوعی پیشنهاد برای عبور از مشبه، به سوی مشبه‌به است» (هاوکس، استعاره، ۱۳۷۷: ۱۳)؛ یعنی در این تشبیه حضرت عیسی﵇ در نزد خداوند همانند حضرت آدم﵇ است و چنین تشبیهی برای آن دسته از یاران حضرت به کارگرفته که اعتقاد داشتند ایشان فرزند خداست و با چنین تشبیهی اعتقاد آنان را باطل می‌کند.

خداوند در آیه‌ای دیگر درباره مادر حضرت مریم﵇ چنین می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَا أُنْثَی وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَیسَ الذَّکرُ کالْأُنْثَی وَإِنِّی سَمَّیتُهَا مَرْیمَ وَإِنِّی أُعِیذُهَا بِک وَذُرِّیتَهَا مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ﴾ (آل‌عمران/۳۶)؛ «پس چون فرزندش را بزاد گفت پروردگارا من دختر زاده‌ام و خدا به آنچه او زایید داناتر بود و پسر چون دختر نیست و من نامش را مریم نهادم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده به تو پناه می‌دهم».

مادر حضرت مریم که از خداوند طلب فرزند پسر کرده بود وقتی فرزند دخترش را به دنیا آورد گفت «... **لَیسَ الذَّکرُ کالأُنثی** ...» که در اینجا تشبیه منفی است و دختر به پسر تشبیه شده که جای آن دو تغییر کرده؛ لذا تشبیه مقلوب است؛ زیرا در پندار وی پسر برتر از دختر بوده و باید مشبه‌به می‌شده است و غرض وی از قلب در تشبیه آن است که به خود دلداری دهد پسری که می‌خواست به مرتبه دختری که اکنون خداوند به او عطا کرده است نمی‌رسد.

از دیگر شخصیت‌های مطرح در سوره آل‌عمران کافران و مؤمنان هستند. خداوند در آیه ۱۰۵ این سوره با تبیین جایگاه و عاقبت آنان سعی دارد مؤمنان را از تفرقه و اختلاف نهی کند: ﴿وَلاَ تَکونُواْ کالَّذِینَ تَفَرَّقُواْ وَاخْتَلَفُواْ مِن بَعْدِ مَا جَاءهُمُ الْبَینَاتُ وَأُوْلَـئِک لَهُـمْ عَـذَابٌ عَظِـیمٌ﴾ (آل‌عمران/۱۰۵)؛ «همانند آن کسان مباشید که پس از آن که آیات روشن خدا بر آنها آشکار شد، پراکنده گشتند و با یکدیگر اختلاف ورزیدند. البته برای اینان عذابی بزرگ خواهد بود».

خداوند در این آیه مؤمنان (مشبه) را نهی می‌کند از اینکه در اختلاف و تفرقه (وجه‌شبه) شبیه کافران باشند؛ لذا غرض از تشبیه، نهی مؤمنان از اختلاف و تفرقه از طریق تقلید است؛ چرا که انسان‌ها به تقلید از کسانی که زود تر به آن کار وارد شده‌اند، بیشتر علاقه نشان می‌دهند (ابن‌عاشور، التحریر والتنویر، ۱۹۸۱: ۲۸۷/۱)؛ امّا اگر به بافت کلام توجه شود، دریافته خواهد شد که قرآن کریم در صدد ترسیم صفتی از صفات کافران است؛ آنها سعی داشتند میان کافران اختلاف و تفرقه ایجاد کنند؛ از این‌رو قرآن کریم سعی بر آشکار کردن این صفت آنان داشته است. در این‌راستا خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ لاَ تَکونُواْ کالَّذِینَ کفَرُواْ وَقَالُواْ لإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُواْ فِی الأَرْضِ أَوْ کانُواْ غُزًّی لَّوْ کانُواْ عِندَنَا مَا مَاتُواْ وَمَا قُتِلُواْ لِیجْعَلَ اللّهُ ذَلِک حَسْرَه فِی قُلُوبِهِمْ وَاللّهُ یحْیـی وَیمِیتُ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ﴾ (آل‌عمران/۱۵۶)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همانند آن کافران مباشید که درباره برادران خود که به سفر یا به جنگ رفته بودند، می‌گفتند: اگر نزد ما مانده بودند نمی‌مردند یا کشته نمی‌شدند. خدا این پندار را چون حسرتی در دل آنها نهاد و خداست که زنده می‌کند و می‌میراند و اوست که اعمال شما را می‌بیند».

خداوند در این آیه یکی دیگر از صفات کافران را ترسیم می‌کند و مؤمنان را از آن نهی می‌کند و آن این است که آنان نه تنها در جنگ در راه خدا شرکت نمی‌کردند؛ بلکه آنان که در راه خدا شهید می‌شدند را نیز سرزنش می‌کردند؛ لذا قرآن کریم با بهره‌گیری از تشبیه، از این صفت مشرکان پرده‌برداری می‌کند و مؤمنان را از مانند کافران بودن بر حذر می‌دارد؛ چرا که گذر از پستی‌ها و ابتذالات زندگی و نپرداختن به جزئیات به خودی خود سبب تعالی روح و گرایش به معنویات می‌شود و جلوه و جلایی تابناک به زندگی می‌بخشد که شخص تا آن زمان از آن غافل بوده است.

در آیه‌ای دیگر نوعی دیگر از تشبیه آمده که حال کافرانی که مال خود را در راه باطل صرف می‌کنند را آشکار می‌کند: ﴿**مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَـٰذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَـٰكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ**﴾ (آل‌عمران/۱۱۷)؛ «مثل حال کافران در مالی که برای پیشرفت مقاصد دنیوی خود صرف کنند و از آن هیچ بهره‌ای نیابند بدان ماند که باد سرد شدیدی به کشت قوم ستم کاری برسد و همه را نابود گرداند که حاصلی از آن به دست نیاید و خدا ستمی بر آنها نکرده لیکن آنان به نفس خود ستم می‌کنند که مالشان را در راه باطل صرف می‌کنند و بر شقاوت خود می‌افزایند».

خداوند در این آیه حال کافران در مالی که برای پیشرفت مقاصد دنیوی خود صرف کنند، را به هیئت کشتزاری قوم کافری تشبیه کرده است که باد سرد شدیدی به آن برسد و همه را نابود گرداند و هیچ بهره‌ای از آن نبرند. خداوند در این آیه امری غیر روشن را با تشبیه آن به امری آشکار و معلوم عرضه کرده است. در بلاغت سنتی چنین تشبیهی در زمره تشبیه تمثیلی قرار می‌گیرد و آن تشبیهی است که «وجه‌شبه در آن صفتی باشد متنزع از چند چیز» (رجائی، معالم البلاغه، ۱۳۵۹: ۲۷۵). خداوند در این تشبیه تمثیلی، از سویی «مشبه» را بنا به احوال و روابط مختلفی که می‌تواند داشته باشد تعریف می‌کند و از سوی دیگر چون وجه‌شبه در آن دیریاب است، ذهن برای به دست‌یافتن به آن، لذت تکاپوی حل معما و مسئله‌ای را نیز تجربه می‌کند و زیبایی تمثیل هم در همین است (مظفری، خیل خیال،۱۳۸۱: ٦٢). قرآن کریم در این راه از عناصر طبیعت بهره جسته است؛ چراکه این تصاویر «پیرامون زندگی دنیا و برگرفته از کشت و میوه و درختان و گیاهان است؛ چون که پدیده‌هایی محسوس و قابل درکند. این صحنه‌های طبیعی که با سرعت رشد و شکوفایی، به بار نشستن و تحول سریع، زرد شدن و از بین رفتن همراه است، در آدمی به زیبایی و سرعت تأثیر می‌گذارد؛ لذا این صحنه‌ها از جانب مردم علی‌رغم اختلاف محیط و درکشان، محسوس و قابل درک است» (الراغب، کارکرد تصویر ذهنی در قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

دوم. استعاره

استعاره در اصطلاح «به‌کار بـردن واژه در غیـر معنـای حقیقـی آن اسـت، آن هـم بـه سـبب علاقـه مشابهتی که میان معنای حقیقی و معنای غیر حقیقی وجود دارد؛ امّا در این میان وجود قرینـه‌ای کـه از اراده معنای حقیقی جلوگیری کند لازم است» (فاضلی، دراسه و نقد فی مسائل بلاغیـه هامـه، ١٣٦٥ : ٢٧٦). برای نخستین بار ارسطو به معرفی استعاره پرداخته است. از نظـر او، اسـتعاره عبـارت اسـت از «استعمال نام چیزی برای چیز دیگر» (هاوکس، استعاره، ١٣٧٧: ١٩-٢٠). جرجانی در تحلیلی درباره استعاره می‌گوید: «استعاره این است که دلالت بر اثبات حکمی بر لفظی می‌کند؛ یعنـی آن را از اصـل لغوی خود درآورده و در جایی که برای آن وضع نشده، قرار می‌دهد و به کار می‌برد، این انتقـال همیشـه به خاطر شباهتی است که بین معنای نخستین و معنای بعدی وجود دارد» (الجرجانی، اسـرار البلاغـه، ١٩٥٤: ١٤٨).

بلاغت سنتی برای استعاره سه رکن قائل است: مستعارٌمنه یا همان مشبهٌبه، مستعارٌله یا همان مشـبه و مستعار یا همان لفظی که به دو معنای حقیقـی و مجـازی بـه‌کـار مـی‌رود و در کـلام ذکـر مـی‌گـردد (سیوطی، الاتقان فی علـوم القـرآن، ١٣٦٧: ٤٨). خداونـد در آیـه ١٦١ سـوره آل‌عمـران بـا بکـارگیری استعاره، عاقبت خیانتکاران را چنین به تصویر می‌کشد: ﴿**وَمَا كانَ لِنَبِی أَن يغُلّ وَمَن يغْلُلْ يـأْتِ بِمَـا غَـلّ يوْمَ الْقِيامَه ثُمّ تُوَفّی كلّ نَفْسٍ مّا كسَـبَتْ وَهُـمْ لاَ يظْلَمُـونَ**﴾ (آل‌عمـران/١٦١) «هـیچ پیـامبری را شایسـته نیست که خیانت کند و هر که به چیزی خیانت کند، آن را در روز قیامت با خود آورد سپس جزای عمـل هر کس به تمامی داده خواهد شد و بر کسی ستمی نرود».

البروسوی در تفسیر این آیه می‌گوید:« برای هیچ پیامبری شایسته نیست که از دستآوردهای جنـگ، به برخی از لشکریان بدهد و برخی دیگر را محروم سازد؛ بلکه باید بر همـه بـه مسـاوات تقسـیم کنـد» (إسمـاعیل حـــراره، الصوره البیانیه فی کتاب روح البیان فی تفسیر القرآن، ٢٠١٣: ١٤٠). از تفسیر آیـه فهمیده می‌شود که خداوند از طریق محرومیت مهاجمان به مسئله خیانت پرداخته است.

بلاغت سنتی استعاره را از رهگذر حذف یا ذکر یکی از دو سوی استعاره بـه دو قسـم تقسـیم کـرده است: «اگر مشبه‌به در کلام ذکر و از آن اراده مشبه شود به آن استعاره مصرحه یا تصـریحیه گوینـد؛ امّـا اگر لفظ مذکور در کـلام، مشـبه باشـد و از آن اراده مشـبه‌بـه شـود، بـه آن اسـتعاره مکنیـه یـا بالکنایـه می‌گویند» (السکاکی، مفتاح العلوم، ١٤٢٠: ٤٨٧؛ آهنی، معانی و بیـان، ١٣٦٠: ١٥٦-١٥٧). در آیـه فوق خداوند بین حرمان (محرومیت) ـ مهاجمان از دستآوردهای جنگ- و أن یغـل (خیانـت کنـد) بـه جامع ممنوعیت تشابه ایجاد کرده و از این بین لفظ أن یغل را به عنوان مستعار در بیت ذکر کـرده و اراده

محرومیت نموده است؛ لذا استعاره فوق از نوع استعاره مصرحه می‌باشد که مشبه‌به آن تصویری حسی از محرومیت مهاجمان برای تفهیم امر خیانت است؛ لذا در بسیاری از آیات دیده می‌شود که قرآن کریم برای بیان بسیای از تصاویر ذهنی و عقلی، تصاویر محسوس و ملموس را به‌کار می‌گیرد. ازاین‌رو در بلاغت سنتی زیباترین نوع استعاره، صریح‌ترین آن‌ها برشمرده می‌شود؛ چراکه صراحت استعاره نیز تا حد زیادی بسته به محسوس بودن مستعارمنه آن است؛ چون که مستعارمنه حسی به لحاظ عینی و معهود به ذهن بودنش، به مراتب بهتر می‌تواند مستعارله را در ذهن تداعی کند، در حالی که مستعارمنه عقلی برای رسیدن به این مقام باید مقید به وصفی محسوس و عینی باشد وگرنه از تداعی مستعارله باز خواهد ماند (مظفری، خیل خیال، ۱۳۸۱: ٦٩-٧٠).

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تأثیرگذاری بر روح و روان، استفاده از تمثیل است. تمثیل‌ها علاوه بر جنبه‌های ادبی و بلاغی در پرورش نفوس و برانگیختن احساسات و عواطف آدمی نقش به سزایی دارند و در اعماق روح و جان نفوذ کرده و گوینده را در اهداف و مقاصد یاری می‌کنند؛ لذا تمثیل‌های قرآن از یک سو چون کاملا واقعی، حقیقی و منطبق با محیط زندگی انسان است و از سویی دیگر به دلیل بهره‌گیری دقیق، حکیمانه، متعادل و هماهنگ از تمایلات و عواطف و غرایز بشری، در برانگیختن احساسات و تهییج عواطف و سوق دادن روح انسان به سوی رشد و کمالات نفسانی و ملکات روحانی و کاهش نگرانی‌ها و اضطرابات، بسیار مؤثر است» (حسینی اجداد و دیگران، جنبه‌های روان‌شناختی در تمثیل های ادبی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). برای مثال خداوند در آیه ۱۸۷ سوره آل‌عمران می‌فرمایند: ﴿وَإِذَ أَخَذَ اللّهُ مِيثَاقَ الّذِينَ أُوتُواْ الْكِتَابَ لَتُبَيِنُنّهُ لِلنّاسِ وَلاَ تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاء ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْاْ بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ (آل‌عمران/ ۱۸۷)؛ «خدا از اهل کتاب پیمان گرفت که کتاب خدا را برای مردم آشکار سازند و پنهانش نکنند ولی آنها پس پشتش افکندند و در مقابل بهای اندکی گرفتند چه بد معامله‌ای کردند».

قرآن کریم در این جمله، با بهره‌گیری از استعاره، غفلت اهل کتاب نسبت به پیمان با خدا را به تصویر می‌کشد؛ لذا در این آیه خداوند هیئت و حالت کسانی را که از آنان پیمان گرفته است و آنان پیمان را شکسته و بدان عمل نکرده‌اند را به شیوه استعاره تمثیلی به هیئت و حالت کسی تشبیه کرده است که چیزی به دست دارد و آن را بر پشت خویش افکنده است. در این تشبیه جامع بین دو طرف تشبیه، وجود چیزی است که باعث حقارت شخص می‌شود.

در این تمثیل با بیان عهدشکنی اهل کتاب، به شیوه انذار و تحذیر، انسان‌ها را از عهدشکنی با خدا نهی می‌کند و این خود بیانگر یکی از ویژگی‌های سالم در نگاه قرآن است و آن خوش‌پیمانی و وفای به

عهد است و این بدان سبب است که «بکارگیری انذار یا تشویق به تنهایی ممکن است آن فایده‌ای را کـه برای تعدیل رفتار و جهت دادن به آن مورد نظر است، به بار نیـاورد؛ مـثلاً بکـارگیری تـرس بـه تنهـایی، گاهی به تسلط حالت ترس بر نفس انسان منجر می‌شود و در نتیجه موجـب یـأس از رحمـت خداونـد خواهد شد؛ از سویی دیگر، استفاده از تشویق به تنهایی گاهی منجر به حاکمیت مطلق امید به رحمت خداوند بر نفس انسان می‌شود که ممکن است او را به تنبلی و سستی و غفلت بکشاند؛ در نتیجـه آنچـه را که متعلق به او نیست از خداوند بخواهد» (نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۸۸: ۲۳۹).

از دیگر ویژگی‌های تمثیل‌های قرآنی واقعی بودن آن است که نقش مهمـی در سـلامت روح و روان انسان دارد و موجب می‌شود تا مخاطب اظهارات گوینده را سریع‌تر و آسان‌تر بپذیرد. بـه ایـن معنـا کـه مَثَل‌های قرآن، تصاویری از واقعیت‌های پیرامون زندگی انسان را ارائه مـی‌دهنـد. نمونـه چنـین تصـویر تمثیلی را در قالب استعاره در آیه زیر می‌توان مشـاهده کـرد: ﴿**وَاعْتَصِـمُواْ بِحَبْـلِ اللّـهِ جَمِيعًـا وَلاَ تَفَرَّقُـواْ وَاذْكُرُواْ نِعْمَه اللّهِ عَلَيكُمْ إِذْ كنتُمْ أَعْدَاء فَأَلَّفَ بَينَ قُلُوبِكمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكنتُمْ عَلَىَ شَفَا حُفْرَه مِّنَ النّارِ فَأَنقَذَكم مِّنْهَا كذَلِک يبَينُ اللّهُ لَكمْ آياتِـهِ لَعَلّكـمْ تَهْتَـدُونَ**﴾ (آل‌عمـران/ ۱۰۳)؛ «همگـان دسـت در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید و از نعمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است، یاد کنیـد. آن هنگـام که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را به هـم مهربـان سـاخت و بـه لطـف او بـرادر شـدید و بـر لبـه پرتگاهی از آتش بودید، خدا شما را از آن برهانید خدا آیات خود را برای شما این چنین بیـان مـی کنـد، شاید هدایت یابید».

در این آیه استعاره در لفظ «بِحَبْل» و مستعارله «دین خداوند» است و وصف جامع بـین آن وسـیله ارتباط می‌باشد و چون لفظ مستعار اسم مشتق است؛ لـذا اسـتعاره از نـوع اسـتعاره مصـرحه و اصـلیه است. همچنین نوع دیگری از استعاره در این آیه به چشم می‌خورد و آن در جمله «شَفَا حُفْرَه» اسـت در اینجا خداوند حال مردمان در در دوره جاهلی را به حال مردمانی تشبیه کرده است که بر لبه پرتگاهی از آتش قرار گرفته بودند. این تصویر بر پایه تشبیه تمثیلی می‌باشد که وقتی مخاطب با آن مواجه مـی‌شـود چون تصویری از مقابل چشمانش می‌گذرد؛ چراکه «تمامی مَثَل‌های قرآن با واقعیت‌های زندگی انسـان در آمیخته است و با حقایق محسوس و ملموس، ارتبـاط تنگـاتنگی دارد و از امـوری کـه بـه نـدرت در زندگی انسان تحقق می‌یابد یا مختص به محیط‌های محدود و دور افتاده است، خـالی و مبـرّی اسـت» (البیانونی، ضرب الامثال فی القرآن، ۱٤۱۱: ۱۱۱).

خداوند در آیه ۱۸۰ سوره آل عمران می‌فرمایند: ﴿**وَلاَ يحْسَبَنّ الّذِينَ يبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللّهُ مِـن فَضْـلِهِ هُوَ خَيرًا لّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لّهُمْ سَيطَوّقُونَ مَا بَخِلُواْ بِهِ يوْمَ الْقِيامَـه وَلِلّـهِ مِيـرَاثُ السّـمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاللّـهُ بِمَـا**

تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل‌عمران/۱۸۰)؛ «آنان که در نعمتی که خدا به آنها عطا کرده است، بخل می‌ورزند، مپندارند که در بخل ورزیدن برایشان خیر است نه شر است. در روز قیامت آنچه را که در بخشیدنش بخل می‌ورزیدند چون طوقی به گردنشان خواهند آویخت و از آن خداست میراث آسمان‌ها و زمین و او به هر کاری که می‌کنید آگاه است».

خداوند در این آیه به شیوه استعاره تمثیلی، آنچه را که در بخشیدنش بخل می‌ورزیدند به طوقی تشبیه کرده که در روز قیامت به گردنشان آویخته خواهد شد. نکته قابل توجه آن است که تمثیل‌های قرآن از عناصر و پدیده‌های طبیعت پیرامون زندگی که انسان هر روز آن‌ها را مشاهده می‌کند و با آن‌ها سروکار دارد، بسیار بهره جسته است؛ چراکه طبیعت، معرّف عظمت و قدرت پروردگار و مظهر علم او و صحیفه‌ای است که با اسماء و کلمات الهی نگاشته شده است و به همین سبب هرگز رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد و در هر شرایطی برای همگان ملموس و قابل فهم است.

سه. مجاز

مجاز بر وزن مَفعَل مصدر میمی است از فعل جازَ المکان یجُوزُ؛ به معنی عبور کردن و گذشتن (السکاکی، مفتاح العلوم، ١٤٢٠: ٤٧؛ تفتازانی، شرح المختصر، بی‌تا: ٦١؛ همایی، یادداشته‌های استاد علامه، ١٣٧٤: ١٧٢) یا اسم مکان است به معنی راه (ابن‌اثیر، المثل السائر، بی‌تا: ٨٥/١؛ خطیب قزوینی، الایضاح فی علوم البلاغه، ١٩٩١: ٢٣٢؛ آق‌اولی، دررالادب در فن معانی، بی‌تا: ١٥٧). ظاهراً نخستین بار ابوعبیده معمر بن مثنّی متوفای سال ۲۸۰ قمری مؤلف مجاز القرآن، آن را در معنای اصطلاحی به‌کار برده است (صفوی، درآمدی بر معناشناسی، ۱۳۷۹: ۲۳۰).

کاربرد مجاز در این معنی از وجه تناسب است؛ «زیرا وقتی واژه‌ای در معنای غیر حقیقی بکار می‌رود از موضع اصلی خود تجاوز کرده است» (السکاکی، مفتاح العلوم، ١٤٢٠: ٤٧٠). البته بلاغت قدیم برای مجاز تقسیم‌بندی‌هایی را در نظر گرفته است. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، مجاز لغوی و مجاز عقلی است: مجاز لغوی عبارت از به کار بردن واژه در معنای «غیرَ ما وُضِع لَه» است؛ مشروط بر آن که میان معنی حقیقی و مجازی علاقه (پیوند، رابطه) وجود داشته باشد. اگر این پیوند، شباهت باشد استعاره نام می‌گیرد و در غیر این صورت مجاز مرسل خوانده می‌شود (شفیعی‌کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، ۱۳۷۸: ۹۹-۱۰۰).

مجاز، خصوصیت دیگری دارد که ناشی از گوناگونی و تنوّع علاقه‌های آن است. با ملاحظه بسیاری از علاقه‌های مجاز در می‌یابیم که این علاقه‌ها، بر پایه تضاد و تقابل می‌باشند؛ به عنوان مثال: علاقه کلیه و جزئیه، علاقه حالیه و محلیه، علاقه سببیه و مسببیه. عبدالفتّاح لاشین درباره این مشخّصه

اسلوب مجاز در قرآن می‌گوید: «این ویژگی در آیه‌های قرآن، بسیاری از معانی را بیان می‌نماید و مجاز در قرآن با این مزیت در الفاظی بسیار اندک، اهداف و اغراضی را که حقیقت و صراحت گویی، قادر به ترسیم آن نسیت، محقّق ساخته است. گویی این اسلوب، به سبب این علاقه‌های بی‌شمار، معانی را در ذهن مخاطب یا خواننده تداعی می‌کند؛ مثلاً هرگاه علاقه مسببیت ذکر شود، سببی که منجر بدان شده است، به ذهن خطور می‌کند. زمانی که مجاز به علاقه محلیت ذکر شود، حالی (وارد شونده) کـه وارد محل شده است، به ذهن می‌آید و هرگاه کلیت ذکر شود، مقابل آن، یعنی جزء این کل، به ذهن می‌آیـد و عکس این مثال‌ها نیز صادق است (لاشین، البیان فی ضوءاسالیب القـرآن، ۱۹۹۲: ۱٦۱). نمونـه هـر یک از این علاقه‌های تصویرگری مجاز در سوره آل‌عمران به شرح زیـر مـی‌باشـد. در آیـه زیـر خداونـد خطاب به پیامبرﷺ می‌گوید: ﴿فَإِنْ حَآجُوک فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِی لِلّهِ وَمَنِ اتّبَعَنِ وَقُل لِّلّـذِینَ أُوْتُـواْ الْکتَـابَ وَالأُمِّیـینَ أَأَسْـلَمْتُمْ فَـإِنْ أَسْـلَمُواْ فَقَـدِ اهْتَـدَواْ وّإِن تَوَلّـوْاْ فَإِنّمَـا عَلَیـک الْـبَلاَغُ وَاللّـهُ بَصِـیرٌ بِالْعِبَـادِ﴾ (آل‌عمران/۲۰)؛ «اگر با تو به داوری برخیزند بگوی: من و پیروانم در دیـن خـویش بـه خـدا اخـلاص ورزیدیم. به اهل کتاب و مشرکان بگو: آیا شما هم به خدا اخلاص ورزیده‌اید؟ اگر اخلاص ورزیده‌انـد پس هدایت یافته‌اند و اگر رویگردان شده‌اند بر تو تبلیغ است و بس و خدا بندگان را می‌بیند».

خداوند در این آیه به جای بیان صریح تمام وجود پیامبرﷺ جزئی از این وجود یعنی صـورت را بـه کار گرفته است؛ لذا در آیه فوق، بین لفظ وجه و اراده تمام وجود رابطه‌ای غیر مشابهت وجـود دارد و در اینجا رابطه جزئیت بین صورت و تمام وجود می‌باشد. پس مجاز فوق مجازی لغوی از نوع مفرد مرسل است؛ چراکه تناسبی که بین معنی حقیقی و مجازی در مجاز وجود دارد به وضوح هـر چـه بیشـتر بـین صورت و تمام وجود دیده می‌شود.

خداوند در آیه ۱۰۷ سوره آل‌عمران چنین به وسیله مجاز روز حساب را برای مردمان ترسیم می‌کند: ﴿وَأَمّا الّذِینَ ابْیضّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِی رَحْمَه اللّهِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ﴾ (آل‌عمران/۱۰۷) «اما آنان کـه سـپید روی شده‌اند، همواره غرق در رحمت پروردگار باشند».

در این آیه مجاز در لفظ «رحمه» رخ داده است؛ چراکه محل رحمت که همان بهشت برین باشـد، اراده شده است؛ که در علم بلاغت به آن مجاز مرسل با علاقه حالیت گویند و آن به این گونه است کـه چیزی در چیز دیگری جا گرفته و وارد شده باشد و این مجاز در جایی است که لفظ جاگرفته ذکر گـردد و محل اراده شود (مطلوب، فی فنون البلاغیه، ۱۹۷۵: ۱۱٤). این تصویرگری بـه وسـیله مجـاز حالـت سعادتمندی و خوشی را برای مخاطب ترسیم می‌کند و به بیانی دیگر او را امیدوار و در جهـت‌گیـری در سمت و سوی خدایی تشویق می‌کند. به این اعتبار که کسی که وارد بهشت شود، بـدون شـک رحمـت

ابدی خداوند شامل حال وی می‌گردد؛ لذا بکارگیری مجاز در این آیه با اسلوب ایجازگونه خود توانسته است بسیاری از مفاهیم را در ذهن خواننده ایجاد و بر مفهوم هرچه بیشتر آیه بیفزاید؛ چراکه بیشتر مردم «علاقه شدیدی به نمودار ساختن حقایق در صور واشکال و نمودارهای حسی دارند» (جعفری، زیبایی و هنر از دیدگا اسلام، ۱۳۶۹: ٤٠).

از دیدگاه قران و اسلام یکی از وظایف انسان تفکر و تخصیص ساعاتی از شبانه‌روز برای تفکر در خویشتن و بررسی اعمال و افکار خود اوست. محاسبه نفس با بررسی و مراقبه روانی موجب می‌شود انسان دامنه آگاهی روانی خود را افزایش دهد (کجباف، علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۲٦). ارزش این تفکر از این جهت است که لحظاتی هرچند کوتاه انسان را از دغدغه‌ها و مشغله‌های تکراری و بی‌حاصل دنیا رهانیده و توجهش را به یک دنیای معنوی و ماورایی سوق می‌دهد؛ بنابراین قرآن در آیه ۱۹۰ سوره آل‌عمران صراحتاً بیان می‌دارد در آفرینش آسمان‌ها و زمین برای خردمندان نشانه‌هایی وجود دارد: ﴿**إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلاَفِ اللَّیلِ وَالنَّهَارِ لآیاتٍ لِّأُوْلِی الأَلْبَابِ**﴾ (آل‌عمران/۱۹۰) «هر آینه در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز، خردمندان را عبرتهاست».

در این آیه در لفظ «**السَّمَاوَاتِ وَالأَرْض**» مجاز مرسل با علاقه محلیه وجود دارد که مقصود و مراد از السماوات و الارض حال آن دو است. خداوند مردم را به اندیشه در این آفرینش بزرگ، جلب و جذب می کند، تا هر کس به اندازه استعداد و تفکرش از این اقیانوس بی‌کران سهمی ببرد و از سرچشمه اسرار آفرینش، سیراب گردد؛ چرا که دقت در آسمان و زمین و عظمت آنها، همچنین نظم حاکم بر عناصر طبیعت، یکی از بهترین راه‌های درک عظمت خالق آنها است. خداوند با دعوت انسان‌ها به دقت در مخلوقات، آنها را دعوت به تعقل در مورد خالق آنها می‌کند. از این‌رو قرآن کریم دعوت به اندیشه‌ورزی را صرفاً متوجه گروه خاصی از انسان‌ها ننموده، بلکه همگان را به این مهم فراخوانده است. این فراخوانی مطلق، نوعی آزادی کامل را در باب اندیشه‌ورزی رقم می‌زند که بر اساس آن، هر انسان متفکری که مقدمات و ابزار تفکر برای او فراهم باشد می‌تواند در معارف دین و موضوعات مرتبط با آن، که مورد توجه قرآن است، به تعمق و اندیشه‌ورزی بپردازد (طباطبایی، المیزان، ۱٤۲۰: ۱۲۷/٤-۱۲۸؛ مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱٤۲٦ : ۱٦۱/۳).

خداوند در آیه‌ای از سوره آل‌عمران منافقان را بدین گونه می‌شناساند: ﴿**وَلْیعْلَمَ الَّذِینَ نَافَقُواْ وَقِیلَ لَهُمْ تَعَالَوْاْ قَاتِلُواْ فِی سَبِیلِ اللّهِ أَوِ ادْفَعُواْ قَالُواْ لَوْ نَعْلَمُ قِتَالاً لاَّتَّبَعْنَاکمْ هُمْ لِلْکفْرِ یوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلإِیمَانِ یقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِم مَّا لَیسَ فِی قُلُوبِهِمْ وَاللّهُ أَعْلَمُ بِمَا یکتُمُونَ**﴾ (آل‌عمران/۱٦۷) «و آنان را نیز که نفاق

ورزیدند، بشناسد به آنها گفته می‌شد: بیایید در راه خدا کارزار کنید یا به دفاع پردازید. می‌گفتند: اگر یقین داشتیم که جنگی درمی‌گیرد، با شما می‌آمدیم آنان به کفر نزدیکترند تا به ایمان به زبان چیزهایی می‌گویند که به دل اعتقاد ندارند و خدا به آنچه در دل نهفته می‌دارند، آگاهتر است».

خداوند در این آیه با بیان محل الأفواه (دهان‌ها)، آنچه درآنها است یعنی زبان‌ها را اراده کرده است؛ لذا مجاز بکارگرفته شده مجاز مرسل با علاقه محلیه می‌باشد که خداوند به وسیله آن ویژگی‌های منافقان را ترسیم کرده است؛ کسانی که از جهاد در راه خدا با بهانه‌جویی خوداری می‌کنند؛ لذا شرک، کفر، نفاق، آلودگی به منکر و یاس از رحمت الهی را از جمله مواردی برشمرد که انسان را از مسیر رشد فطری خود باز می‌دارد (احمدی، مقدمه‌ای بر مشاوره و روان درمانی، ۱۳۷۱: ۲۶). بنابراین انسان با کفر و ارتکاب گناهان دچار از خود بیگانگی می‌شود و یک احساس ناامنی روانی ذهن او را مغشوش می‌نماید و به دنبال احساس گناه و شرمساری دچار افسردگی می‌شود. به همین خاطر خداوند در ادامه این افراد وقتی با اعمال بدشان روبرو می‌شوند چنین وصف می‌کند: ﴿**يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوَءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَينَهَا وَبَينَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفُ بِالْعِبَادِ**﴾ (آل‌عمران/۳۰)؛ «روزی که هر کس کارهای نیک و کارهای بد خود را در برابر خود حاضر بیند، آرزو کند که ای کاش میان او و کردار بدش فاصله‌ای بزرگ بود خداوند شما را از خودش می‌ترساند و خدا به بندگانش مهربان است».

خداوند در این آیه با به‌کارگیری مجاز مرسل با علاقه عموم، به جای لفظ «نفس» (خاص) ترکیب «کل نفس» را بکار برده واراده عموم کرده است. خداوند در این با به تصویر کشیدن احوال بدکاران، مردمان را از کارهای بد نهی و برحذر می‌دارد و عاقبت کارهایشان را بر آنان نمایان می‌سازد؛ لذا فرد با آگاه شدن از عاقبت کار بد به سوی کارهای نیک رهنمود می‌شود؛ چراکه انجام کار خیر و نیک از عوامل مهمی است که انبساط خاطر و شادی را در وجود انسان موجب می‌شود؛ تا جایی که اگر شخص مبتلا به اختلال فکری، کم‌حوصلگی، نارضایتی و اطمینان به زندگی خود نداشته باشد و تعهد کند که روزانه کار نیک انجام دهد تا دیگران را خوشحال کند پس از چندی ناراحتی او از بین می‌رود (صانعی، سلامت تن و آرامش روان در اسلام، ۱۳٦٦: ۲۰۳). چون از نظر روانی این فرد خود را مشغول به کار نیکی نموده که دیگری از آن بهره می‌برد پس نگرانی خود را فراموش کرده و احساس شادمانی و رضایت خاطر می‌کند.

نتیجه

با بررسی روانشناختی تصاویر هنری در سوره آل‌عمران مشخص گردید، قرآن کریم به عنوان یک متن ادبی در راستای هدفی متعالی، که همان هدایت و تربیت و رسیدن به حقیقت می‌باشد، کوشیده است از تمام توانمندی‌های زبان عربی، به صورتی برتر و فراتر از ساختار زبان عربی بهره گیرد؛ لذا با بررسی ویژگی‌های تصاویر هنری و بیانی تشبیه، مجاز و استعاره در سوره آل‌عمران، می‌توان گفت:

ـ روش هنری یکی از مهم‌های رساندن مطلب به مخاطب می‌باشد که قرآن کریم با بهره‌گیری از این روش در اوج فصاحت و بلاغت توانسته است با آوردن انبوهی از تصاویر پیاپی در نواری متحرک، مخاطبان خود را به وجد آورد.

ـ تصویرپردازی در قرآن، بسان دیگر متون، یک اسلوب تفنّنی و محدود نیست که به‌طور جسته‌گریخته در جاهایی از آن به‌کارگرفته باشد؛ بلکه این شیوه، بر اساس مقتضای حال و مقام آیات، یک قانون کلّی و روش شایع در قرآن است؛ لذا تصاویر هنری سوره آل‌عمران با توجه به نوع مخاطب متفاوت است که هریک ظرفیت‌های عاطفی و هیجانی بالایی دارند.

ـ معانی ذهنی و مفاهیم اخلاقی صرف، در پرتو این تصاویر جان می‌گیرند و روح حیات و حرکت در آنها دمیده می‌شود و در خدمت کارکرد دینی قرار می‌گیرند. همین طور حقایق کلّی مربوط به امورات غیبی به‌واسطه تصاویر قرآنی به صورتی قابل درک و در تصاویری جزیی نمایان می‌شود.

ـ از اهداف مهم هر یک از تصاویر هنری در سوره آل‌عمران تأثیرگذاری بر مخاطب و زمینه‌سازی روحی او برای پذیرش حق و انکار باطل است. هر یک از این تصاویر می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت سلامت روحی و ارتقاء تربیت و اخلاق مؤثر باشد به شرط اینکه روح و جسم انسان آمادگی داشته باشد. به طور کل تصاویر سوره آل‌عمران با به تصویرکشیدن فضایل و رذایل، افکار و اندیشه‌ها و شخصیت‌های دینی و کفار در قالب امور محسوس و ملموس، با بیانی سهل و روان و با اسلوبی متنوع و با استفاده از مظاهر و پدیده‌های طبیعی، آیینه‌ای از شخصیت روحی و روانی بشر می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محی‌الدین مهدی الهی‌قمشه‌ای، نشر فاطمه الزهراﷺ، قم: ۱۳۸۷ش.
۲. آق‌اولی، عبدالحسین، درر الادب در فن معانی، بیان، بدیع، مؤسسة دار الهجرة، بی‌جا: بی‌تا.
۳. آهنی، غلامحسین، معانی و بیان، انتشارات بنیاد قرآن، تهران: ۱۳٦۰ش.
٤. ابن‌عاشور، محمد الطاهر، التحریر و التنویر، الدار التونسیه للنشر، تونس: چاپ ۲، ۱۹۸۱م.
٥. ابن‌اثیر، ضیاءالدین، المثل السائر، قدّمه وعلّق علیه احمد الحوفی وبدوی طبانه، نهضه مصر، قاهره: د.ت.
٦. ابن‌رشیق قیروانی، ابوعلی حسن، العمدة فی محاسن الشعر وآدابه ونقده، مصحح: محمد محی‌الدین عبدالحمید، المکتبه التجاریه الکبری، مصر: ۱۹٦۳م.
۷. احمدی، سیداحمد، مقدمه‌ای بر مشاوره و روان درمانی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان: چ۳، ۱۳۷۱ش.
۸. إسماعیل حراره، إلهام، الصوره البیانیه فی کتاب روح البیان فی تفسیر القرآن لإسماعیل حقی البروسوی، رساله الماجستیر فی البلاغه العربیه، کلیة الآداب بالجامعه الإسلامیه، غزه: ۲۰۱۳م.
۹. انوشه، حسن، فرهنگ‌نامه ادب فارسی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۷٦ش.
۱۰. بدوی طبانه، احمد، علم البیان: دراسه تاریخیه، مکتبه الانجلو مصریه، القاهره: ۱۹٦۲م.
۱۱. براهنی، رضا، طلا در مس، انتشارات زریاب، تهران: ۱۳۸۰ش.
۱۲. البیانونی، عبدالمجید، ضرب الأمثال فی القرآن، دارالقلم، دمشق: ط۱، ۱٤۱۱ق.
۱۳. پیرزادنیا، مینا؛ عبدی، مالک؛ چراغی، زیور، «تصویرپردازی هنری در سوره مبارکه اعراف با تکیه بر تشبیه، استعاره و مجاز»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی- قرآنی، سال سوم، شماره دوم، ۱۳۹٤ش.
۱٤. تفتازانی، سعدالدین، شرح المختصر، مکتبه نجفی، قم: بی‌تا.
۱٥. الجاحظ، عمرو بن بحر، الحیوان، تحقیق عبدالسلام هارون، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۹٦٥م.
۱٦. جرجانی، عبدالقاهر، أسرار البلاغه، تحقیق: ه. ریتر، استانبول: ۱۹٥٤م.
۱۷. جرجانی، عبدالقاهر، دلائل الإعجاز، تعلیق: محمود محمد شاکر، مکتبه الخانجی، القاهره: ط۲، ۱۹۸۹م.
۱۸. جعفری، محمدتقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، انتشارات وزارت ارشاد، تهران: چ۳، ۱۳٦۹ش.

۱۹. حسینی‌اجداد، سیداسماعیل؛ پورمحمد، رحمت؛ بهرامی، محمد، «جنبه‌های روان‌شناختی در تمثیل‌های ادبی قرآن و تأثیر آن در تربیت انسان»، فصلنامه لسان المبین (پژوهش ادب عربی)، سال سوم، شماره هفتم، ۱۳۹۱ش.
۲۰. حیدریان‌شهری، حمدرضا؛ صباحی گراغانی، حمید، «بررسی روان‌شناختی تشبیه در سوره‌ی بقره»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی – قرآنی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۹۳ش.
۲۱. خرمشاهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، نشر دوستان، تهران: چاپ ۲، ۱۳۷۷ش.
۲۲. خطیب القزوینی، جلال‌الدین محمد بن عبدالرحمن، الإیضاح فی علوم البلاغه، وضع حواشیه إبراهیم شمس الدین، دارالکتب العلمیه، بیروت: ط۱، ۱۹۹۱م.
۲۳. الراغب، عبدالسلام أحمد، کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم، ترجمه: سید حسین سدی، انتشارات سخن، تهران: ۱۳۸۷ش.
۲٤. رجائی، محمدخلیل، معالم البلاغه، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز: چ۳، ۱۳۵۹ش.
۲۵. رضایی، غلامعباس، سید پیمان حسینی، تصویرپردازی هنری در قرآن با تکیه بر تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، شماره سوم، ۱۳۹۱ش.
۲٦. سکاکی، ابویعقوب یوسف بن محمد، مفتاح العلوم، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، درر الکتاب، بیروت: ۱٤۲۰ق.
۲۷. سیدی، سیدحسین، «مؤلّفه‌های تصویر هنری در قرآن»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۲۷، ۱۳۸۷.
۲۸. سیوطی، جلا الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الإتقان فی علوم القرآن، منشورات رضی، قم: ط ۲، ۱۳٦۷ش.
۲۹. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، صورخیال در شعر فارسی، نشر نیل، تهران: ۱۳۷۸ش.
۳۰. صانعی، صفدر، سلامت تن و آرامش روان در اسلام، چاپخانه مظاهری، بی‌جا: چ۲، ۱۳٦٦ش.
۳۱. صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، سازمان تبلیغات اسلامی (سوره)، تهران: ۱۳۷۹ش.
۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱٤۲۰ق.
۳۳. فاضلی، محمد، دراسة ونقد فی مسائل بلاغیة هامة، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، طهران: ۱۳٦۵ش.
۳٤. فتوحی‌رودمعجنی، محمود، بلاغت تصویر، انتشارات سخن، تهران: چاپ۲، ۱۳۸٦ش.

۳۵. قطب، سید، التصویر الفنی فی القرآن، دار الشروق، قاهره: ط۱۰، ۱٤۰۸ق.
۳٦. کجباف، محمدباقر، علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، روان، تهران: چ۲، ۱۳۸۹ش.
۳۷. لاشین، عبدالفتاح، البیان فی ضوء اسالیب القرآن، دارالمعارف، القاهره: ط۳، ۱۹۹۲م.
۳۸. محمدقاسمی، حمید، جلوه‌هایی از هنر تصویر آفرینی در قرآن، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۸۷ش.
۳۹. مطلوب، أحمد، فی فنون البلاغیه: البیان – البدیع، دارالبحوث العلمیه، الکویت: ۱۹۷۵م.
٤۰. مظفری، علیرضا، خیل خیال، دانشگاه ارومیه، ارومیه: ۱۳۸۱ش.
٤۱. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، دارالعلم للملایین، بیروت: ط٤، ۱٤۲۰ق.
٤۲. موسوی‌لر، اشرف‌السادات؛ یاقوتی، سپیده، «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه هنری سید قطب»، جلوه هنر، شماره ۱٤، ۱۳۹٤ش.
٤۳. نجاتی، محمدعثمان، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه: عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: چ۸، ۱۳۸۸ش.
٤٤. هاوکس، ترنس، استعاره، ترجمه: فرزانه طاهری، نشر مرکز، تهران: چ ۱، ۱۳۷۷ش.
٤۵. همایی، جلال الدین، یادداشت‌های استاد علامه جلال‌الدین همایی درباره معانی و بیان، به کوشش: ماهدخت‌بانو همایی، نشر هما، تهران: ۱۳۷٤ش.
46. Johnson-laird, P.N, Mental models. In A.M. Aitkenhead & J.M. 1985.

References

1. The Holy Quran, Translation: Mohy al-Din Mahdi Elahi-Qomshaei, Published by Fatima al-Zahra (S), Qom: 2008.
2. Ahani, Ghulamhossein, *Ma'ani wa Bayan (Meaning and Explanation) (Eloquence)*, Quran Foundation Publications, Tehran: 1981.
3. Ahmadi, Seyyedahmad, Introduction to Counseling and Psychotherapy, Isfahan University Press, Isfahan: 3rd Edition, 1992.
4. Al-Bayanouni, Abd al-Majeed, Proverbs in the Quran, Dar al-Qalam, Damascus: Volume 1, 1411 AH.
5. Al-Jahiz, Amr bin Bahr, Al-Hayawan, Research: Abdus Salam Haroun, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 1965.
6. Al-Raghib, Abdul Salam Ahmad, The Function of Artistic Imagery in the Holy Quran, Translated by Seyyed Hossein Saddi, Sokhan Publications, Tehran: 2008.
7. Anousheh, Hassan, Dictionary of Persian Literature, Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 1997.
8. Aqawali, Abdul Hossein, Durar al-Adab (Pearls of Literature) in the Meaning, Explanation and Innovation Techniques (Eloquence), Muassasah Dar al-Hijrah, N.p.: n.d.
9. Badawi Tabaneh, Ahmad, Science of the Bayan: Historical Research, Maktabah al-Angelo Misriyyah, Cairo: 1962.
10. Brahini, Reza, Gold in Copper, Zaryab Publications, Tehran: 2001.
11. Fazili, Muhammad, Study and Criticism of Important Rhetorical Issues, Institute of Cultural Studies and Research, Tehran: 1986.
12. Futuhi Roudmaujuni, Mahmoud, Image Rhetoric, Sokhan Publications, Tehran: 2nd Edition, 2007.
13. Hawkes, Terence, Metaphor, Translated by Farzaneh Tahiri, Nashr Markaz, Tehran: 1st Edition, 1998.
14. Haydarianshahri, Hamdreza; Sabahi Garaghani, Hameed, "Psychological Study of Analogy in Surah al-Baqarah", Literary-Quranic Research Quarterly, 2nd Year, 1st Issue, 2014.

15. Homai, Jalaluddin, Notes of Professor Allamah Jalaluddin Homai On Meanings and Expressions (Eloquences), Prepared by Mahdukhtbanu Homai, Homa Publications, Tehran: 1995.
16. Hosseini Ajdad, Seyyed Ismail; Pour Muhammad, Rahmat; Bahrami, Muhammad, "Psychological Aspects in the Literary Parables of the Quran and Its Effect on Human Education", Lisan al-Mubin Quarterly (Arabic Literature Research), 3rd Year, 7th Issue, 2012.
17. Ibn Ashour, Muhammad al-Tahir, Al-Tahrir and Al-Tanwir, Al-Dar al-Tunsiyyah Publications, Tunisia: 2nd Edition, 1981.
18. Ibn Athir, Ziya al-Din, al-Muthul al-*Sa'ir*, Prefaced and Annotated by Ahmad al-Hawfi and Badawi Tabaneh, Nahdah Misr, Cairo: n,d.
19. Ibn-Rashiq Qiravani, Abu Ali Hassan, Al-Umda fi Mahasin al-*Shi'r wa Adabihi wav* Naqdihi (A Good Guideline to the Characteristics of Poetry, Literature and Criticism), Edited by Muhammad Mohy-al-Din Abd al-Hamid, Al-Maktabah al-Tijariyyah al-Kubra, Egypt: 1963.
20. Ismail Hararah, Ilham, Explanatory Expression in the Book of Ruh al-Bayan fi Tafsir al-Quran by Ismail Haqqi al-Barsovi, Master's Thesis in Arabic Rhetoric, Faculty of Arts of the Islamic Society, Gaza: 2013.
21. Ja'fari, Muhammad Taqi, Beauty and Art from the Perspective of Islam, Ministry of Guidance Publications, Tehran: 3rd Edition, 1990.
22. Johnson-laird, P.N, Mental Models. In A.M. Aitkenhead & J.M. 1985.
23. Jorjani, Abdul Qahir, Asrar al-Balaghah (The Secrets of Eloquence), Research: H. Ritter, Istanbul: 1954.
24. Jorjani, Abdul Qahir, Dalail al-*I'jaz (Proofs of Brachylogy)*, Annotation: Mahmoud Muhammad Shakir, Al-Khanji Library, Cairo: 2nd Edition, 1989.
25. Kajabaf, Muhammad Baqir, Psychology from the Perspective of Islamic Scholars, Ravan, Tehran: 2nd Edition, 2010.

26. Khatib al-Qazwini, Jalal al-Din Muhammad bin Abd al-Rahman, An Explanation of the Science of Eloquence, Edited by Ibrahim Shams al-Din, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: 2nd Edition, 1991.
27. Khorramshahi, Bahaoddin, Encyclopedia of Quran and Quran Studies, Dostan Publishing, Tehran: 2nd Edition, 1998.
28. Lashin, Abdul Fattah, Al-Bayan fi Zhaw Asalib al-Quran (Expression under the Shadow of Quranic Techniques), Dar al-Ma'arif, Cairo: 3rd Edition, 1992.
29. Matlub, Ahmad, On the Techniques of Rhetoric: Bayan - Al-*Badi'*, Dar al-Buhuth al-Ilmiyyah, Al Kuwait: 1975.
30. Moghniyah, Muhammad Javad, Al-Tafsir Al-Kashif, Dar El Ilm Lilmalayin, Beirut: 4th Edition, 1420 AH.
31. Mousavilar, Ashraf al-Sadat; Yaquti, *Sepideh, "Explaining the Visual Effects of Quranic* Verses Based on the Artistic *Theory of Seyyed Qutb"*, Jalweh Honar, No. 14, 2015.
32. Mozaffari, Alireza, The Mob of Imagination, Urmia University, Urmia: 2002.
33. Muhammad Qasimi, Hamid, Manifestations of the Art of Image Creation in the Quran, Scientific and Cultural Publications Company, Tehran: 2008.
34. Nejati, Muhammad Othman, Quran and Psychology, Translated by Abbas Arab, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, Mashhad: 8th Edition, 2009.
35. Pirzadenia, Mina; Abdi, Malik; Cheraghi, Zewar, "Artistic Depiction in Holy Surah al-*A'raf* Based on Simile, Metaphor and Allegory", Literary-Quranic Research Quarterly, 3rd Year, 2nd Issue, 2014.
36. Qutub, Seyyed, Artistic Images in Quran, Dar al-Shuruq, Cairo: 10th Edition, 1408 AH.
37. Rajaei, Muhammad Khalil, Pathmarks of Eloquence, Shiraz University Press, Shiraz: 3rd Edition, 1980.
38. Rezaei, Ghulam Abbas, Seyyed Payman Hosseini, Artistic Depiction in the Quran Based on Simile, Allegory, Metaphor and Allusion, Arabic Literature Review, No. 3, 2012.
39. Saanei, Safdar, Physical Health and Mental Peace in Islam, Mazahiri Publications, N.p.: 2nd Edition, 1987.

40. Safavi, Kurosh, An Introduction to Semantics, Islamic Preaching Organization (Sureh), Tehran: 2019.
41. Sakkaki, Abu Ya'qub Yousuf bin Muhammad, Miftah al-Ulum (Key of Sciences), Research: Abdul Hameed Hindawi, Dar al-Kitab, Beirut: 1420 AH.
42. Seyyedi, Seyed Hossein, "Authors of Artistic Image in the Quran", Shiraz University Religious Thought Quarterly, No. 27, 2008.
43. Shafiei Kadkani, Muhammad Reza, Figures of Imagination in Persian Poetry, Nal Publications, Tehran: 1999.
44. Suyuti, Jala al-Din Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Al-Itqan fi Ulum al-Quran (A Perfect Guide to the Quranic Sciences), Manshurat Razi, Qom: 2nd Edition, 1988.
45. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society, Qom: 1420 AH.
46. Taftazani, Sa'd al-Din, Sharh al-Mukhtasar, Najafi Library, Qom: n.d.